

پرولتاریای باکو باید به حافظه تاریخی خود رجوع کند



صدای انترناسیونالیستی

E-mail: contact@internationalistvoice.org

Homepage: www.internationalistvoice.org

تلهگرام: <https://t.me/intvoice>

ماه‌های اخیر جمهوری آذربایجان شاهد اعتراضات و تظاهراتی بود که بود بیستمین سالگرد استقلال این جمهوری را تحت الشعاع خود قرار دارد. در ۱۱ و ۱۲ اسفند ۱۳۸۹ علی‌رغم تدابیر شدید امنیتی و حضور وسیع پلیس، اعتراضات و تظاهرات وسیعی در میدان مرکزی شهر، «میدان فواره‌ها» صورت گرفت. پلیس و نیروهای امنیتی به سرکوب وحشیانه تظاهرات پرداختند، ده‌ها تن را دستگیر و تعداد زیادی را نیز زخمی کردند. چند روز بعد از آن دانشجویان دانشگاه باکو از طریق شبکه‌های اجتماعی فراخوان تظاهرات ضد دولتی برای روز ۲۳ اسفند ۱۳۸۹ در مقابل دانشگاه داده بودند. پلیس با تدابیر امنیتی شدیدی مانع برگزاری تظاهرات شد. سرانجام معترضین در ۱۳ فروردین ۱۳۹۰ در مرکز شهر به تظاهرات پرداختند. [۱] ساعتی پس از تظاهرات، صدها نیروی ضد شورش وارد محل شده و با دستگیری تعداد زیادی از تظاهرکنندگان به سرکوب معترضین پرداختند. تظاهرکنندگان با توجه به اوضاع نابسامان اقتصادی و اجتماعی خواهان استعفای دولت و آزادی بودند.

این اعتراضات از عواقب بحران سرمایه‌داری است، بحران سرمایه‌داری جهانی است و بار این بحران را طبقه کارگر جهانی پرداخت می‌کند ولی مسئله حائز اهمیت این است که عواقب بحران در کشورهای پیرامونی نقشی مخرب‌تر از کشورهای متروپل ایفا می‌کند.

در این جمهوری حکومت موروثی است. «حیدر علی‌اف» دست‌پرورده نظام اطلاعاتی استالینی بود و بعد از مرگش، پسرش «الهام علی‌اف» زمام‌دار این جمهوری شد و به تقویت دستگاه مخوف پلیس و مافیای سیاسی و اقتصادی پرداخت. فساد مالی و اداری در این جمهوری بیداد می‌کند.

در سال ۱۳۸۴ در جمهوری آذربایجان، این منبع ثروت و نفت ۲۴ درصد از مردم زیر خط فقر زندگی می‌کردند [۲] در حالی که «قصر» خریداری شده خانواده «علی‌اف» در امارات متحده عربی معادل ده هزار سال حقوق یک کارگر آذربایجانی است. [۳] در سال ۱۳۸۷ نرخ تورم در جمهوری آذربایجان ۲۱ درصد بود، به عبارت دیگر طبقه کارگر و اقشار تهی دست جامعه هر روز نسبت به روز قبل تهیدست‌تر می‌شوند.

ناسیونالیست‌ها و اسلام‌گرایان قصد دارند، اعتراضات را در راستای اهداف خود کانالیزه کنند. بخصوص که اعتراضات متأثر از دموکراسی خواهی و آزادیخواهی نیز است. طبقه کارگر، این غول خفته هنوز بیدار نشده است، با این وجود هر از چند گاهی طبقه کارگر مجبور به دفاع از سطح معیشت خود است که به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

- ۲۵ اسفند ۱۳۸۹ کارگران یکی از بزرگترین شرکت‌های ساخت و ساز بنام «آکورد» بخاطر اخراج همکاران خود، عدم پرداخت بموقع حقوق و همچنین نقض حقوق خود دست به اعتصاب زدند.
- در هشتم آذر ۱۳۸۴ بیش از هزار نفر از کارگران «مک‌درموت» که ساخت خط لوله و ایجاد سکویهای نفتی برتیش پترولیوم را بر عهده دارد در اعتراض به دستمزد کم، شرایط نامناسب کاری، تامین بیمه درمانی و غیره دست به اعتصاب زدند.

• در اواخر فوریه و اوایل مارس ۲۰۰۴ کارگران «خط لوله باکو- تفلیس- جیهان» در اعتراض به شرایط نابسامان کاری و پائین بودن حقوقها دست به اعتصاب زدند. یکی از کارگران اعتراضی چنین می گوید: "آنان با ما مثل بردگان رفتار می کنند. ما از حقوق خود ناراضی هستیم. ما ماهیانه ۹۰ دلار میگیریم به ازای تمام ساعاتی که کار میکنیم و در زیر باران لوله در زمین میگذاریم."

• اول اسفند ۱۳۸۶ کارگران و کارکنان راه آهن باکو به دلیل نارضایتی از وضعیت اقتصادی ، دست به اعتصاب زده و خواستار بهبود وضعیت اقتصادی و افزایش حقوق و پرداخت به موقع آن شدند.

• ۱۸ دی ماه ۱۳۸۰ در اعتراض به افزایش دو برابری فرآورده های نفتی در جمهوری آذربایجان رانندگان وسایل نقلیه عمومی دست به تجمع و اعتصاب زدند. بهای گازوئیل از ۹۰۰ مانات به ۱۸۰۰ مانات افزایش پیدا کرد. این اعتصاب توسط پلیس برهم زده شد.

45,000 ON STRIKE AT BAKU.

Trains Stopped for Ten Days, the Authorities Being Helpless—6,000 Troops Now in the Town.

ST. PETERSBURG, Aug. 8.—Mail advices from Baku show that the strike there commenced July 15, in consequence of the men's demand for an increase of wages, an eight hours' day, the abolition of the system of fines, and the strict application of the factory regulations. The strikers exceeded 45,000, and for a week they were masters of the situation, both in the town and naphtha fields.

Only 600 troops were available. For ten days Baku was without trains and for several nights the town remained without lights, while no newspapers appeared.

There are now probably 6,000 troops in Baku, and the police are making wholesale arrests among the strikers, who are being sent back to their native districts. Even now, however, all trains are escorted by troops and soldiers are acting as trainway conductors.

The companies have expressed their readiness to grant the demands of the men, but the latter are incredulous and refuse to work until material guarantees are forthcoming.

The New York Times

Published: August 9, 1903

Copyright © The New York Times

زمانی پرولتاریای باکو ، این غول استعمار شده ، این غول خفته ، هنوز بیدار بود. زمانی پرولتاریای باکو بعنوان بخشی از پرولتاریای جهانی بخصوص در سالهای ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ نقشی پیشقراول داشت و پرچمدار انقلاب کمونیستی جهانی بود. هنوز مرتجعین ، موفق به اشاعه نفرت قومی بین آذری و ارمنی نشده بودند. زمانی هم که دولتهای ارتجاعی عثمانی و روسیه ، جنگ کثیف و خونین آذری - ارمنی را در راستای منافع ارتجاعی خود دامن زدند و تلاش کردند تا کارگران آذری و ارمنی را در راستای منافع امپریالیستی خود گوشت دم توپ کنند باز هم پرولتاریای باکو ماهیت این جنگ را افشا کرد و در کاهش قتل عام حاصل از آن بسیار موثر بود.

زمانی نام باکو تیلور عمیق ترین همبستگی طبقاتی بود. آذری ، ارمنی ، گرجی و روسی بازو در بازو ، علیه سرمایه می جنگیدند ، با هم کمیته کارخانه می ساختند و با کمک همدیگر کمیته اعتصاب تشکیل میدادند. زمانی تبلیغ ادبیات و هنر پرولتری بخشی از

کار روتین پرولتاریای باکو بود. از همه مهمتر نام کمیته کمونیستی باکو ، بیانگر سطح بلوغ و آگاهی طبقاتی پرولتاریای باکو بود. پرولتاریای باکو منبع الهام بخش برای پرولتاریای سراسر منطقه بود. داستان قهرمانی های پرولتاریای باکو ، داستان نبردهایش ، موضوع پور شورترین رمان ها بوده است.

با شکست انقلاب جهانی، پرولتاریای باکو، بعنوان بخشی از پرچمدار انقلاب جهانی که در صف اول نبرد بود، مورد حمله ضد انقلاب قرار گرفت. ضد انقلاب به پتانسیل پرولتاریای باکو آگاه بود. لذا به سلاخی بیرحمانه پیشقراول آن پرداخت. انقلاب جهانی شکست خورد و پرولتاریا مغلوب شد. تزار آن همه کمونیست کشتار نکرده بود که قاتل کمونیست ها (استالین) قتل عام کرد. همان استثمار وحشیانه، همان بربریت سرمایه، منتهی این بار به نام کارگران ادامه یافت.

حیدر علی اف به عنوان «مامور امنیتی» دست پرورده همان نظام بربر استالینی بود. در پاداش خدماتش و نوکری اش به استالینیزم چندین مدال گرفته بود. بعد از فروپاشی استالینیزم، رنگ عوض کرد و چاکر سینه چاک بازار آزاد شد. اسامی خیابانها را عوض کرد، «نوبل» صاحب نفت خدای باکو در زمان تزار، مجددا نام خیابان گرفت. حالا هم پسرش نقش رهبری مافیای سیاسی و اقتصادی آذربایجان را ایفا می کند.

پرولتاریای باکو!

بحران سرمایه داری جهانی است و بورژوازی می خواهد طبقه ما بهای این بحران را بپردازد، لذا سطح معیشت طبقه ما را در سراسر این جهان هستی مورد تعرض قرار میدهد. هیچ ناجی برای رهائی ما بردگان مزدی وجود ندارد، رهائی ما از بردگی مزدی تنها بدست خودمان امکان پذیر است. بیدار شدن مجدد پرولتاریای باکو، این غول خفته، نه تنها وحشت بر اندام بورژوازی آذری، بلکه بورژوازی منطقه خواهد انداخت. پرولتاریای باکو باید به حافظه تاریخی خودش رجوع کند، از تجربه غنی نسل های قبل خود بیاموزد، سازمان کمونیستی خود را ایجاد کند و مجددا در راستای انقلاب جهانی کمونیستی پرشورتر از قبل به نبرد بپردازد.

۲۰ فروردین ۱۳۹۰

م جهانگیری

یادداشتها:

[۱] گوشه هایی از اعتراضات را در فیلم های ویدئوی زیر میتوان مشاهده کرد:

- فیلم اسفند ماه <http://www.azadliq.org/video/17254.html>
- فیلم فروردین ماه <http://www.radiofarda.com/video/16412.html>

[۲] http://en.wikipedia.org/wiki/Economy_of_Azerbaijan

[۳] <http://int.armradio.am/far/index.php?part=1&id=51253>